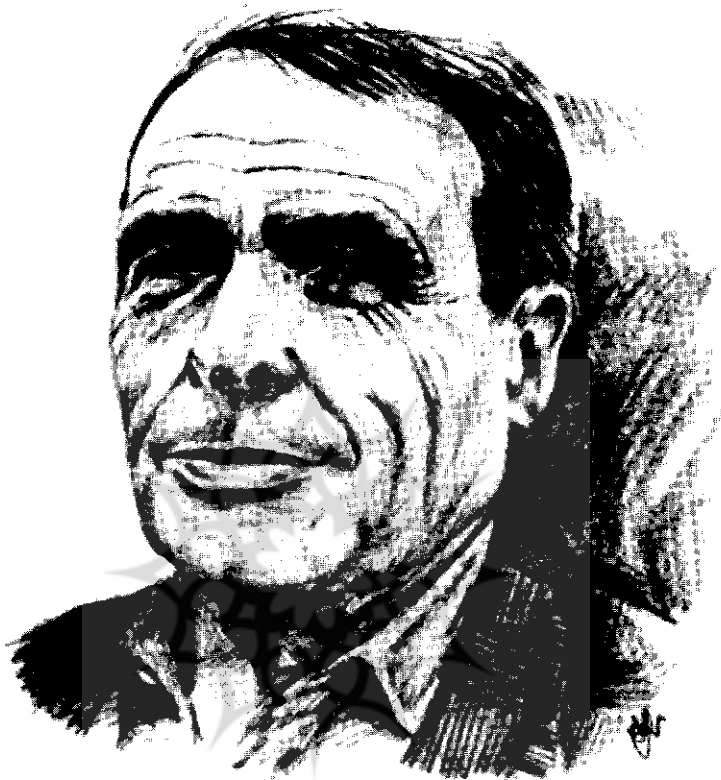


همه چیز اجتماعی است

به یاد پیر بوردیو



کریک کلپون و لونیگ وکان^۱

ترجمه شیرین جلالی^۲

استادانش نمی‌دیدند چون طبیعی می‌انگاشتند، در جهت تشریح کردن مرکزیت «عرف» (doxa) و شناخت تسلط اجتماعی به کار برد. با وجود آنکه بوردیو در رشته فلسفه تحصیل کرده بود، به جامعه‌شناسی اعتقاد آورد، دقیقاً به این دلیل که بتواند از پژوهش تجربی ابزاری بسازد برای شکستن هوشیاری معمولی و دست یافتن به دانشی درست‌تر درباره دنیای اجتماعی که معمولاً از دیدگاه فلسفی بیش از حد دنیوی به نظر می‌رسد.

در سال ۱۳۳۴ (۱۹۵۵) بوردیو به خدمت نظام فرستاده شد، او در دانشگاه الجزیره به تدریس مشغول شد و پژوهشی را در کابیلی و با مهاجرین بربر زبان (Berber-Speaking) الجزیره انجام داد که در سال ۱۳۳۹ (۱۹۵۸) در اولین کتابش الجزایریها (The Algerians) منتشر شد.^۳ کتابهای بعدی او بر روی کارگران و کار در الجزایر، بحران کشاورزی و ناسازگاری میان فرهنگ بومی و استعماری و قدرت بازار معطوف شدند. مواجهه با جنگ الجزایر و تحولات ناشی از استعمار و سرمایه‌داری اثری شخصی و حک شده در او باقی گذاشت که جهت‌گیری روشنفکرانه و تعهدش را به این اصل که پژوهش باید به زندگی دیگران اهمیت بدهد، شکل داد. همچنین در الجزایر بود که بوردیو یاد گرفت که آمار و قوم‌شناسی، نظریه بلندپروازانه و مشاهده موشکافانه را باهم بیوند بزنند و دیدگاهی متمایز

پیر بوردیو در روز ۳ بهمن ۱۳۸۰ (۲۳ ژانویه ۲۰۰۲) بر اثر سرطان درگذشت. او - نوه یک دهقان و پسر یک کشاورز که مدتی بعد پستیچی روستای به ارن (Bearn) در لسوب (Lasseube) شده بود - در روز ۱۰ مرداد ۱۲۰۹ (اول اوت ۱۹۳۰) متولد شد. توانایی و کوشش شخصی همراه با بورسهای دولتی، پیر بوردیو را به اوج فرهنگ فرانسوی و علوم اجتماعی بین‌المللی به پیش راند، ولی او هیچگاه موفقیت آکادمیک و افتخار حرفه‌ای را به عنوان گواهی ساده‌انگارانه بر ارزش شخصی (self-worth) یا دلیلی برای شایسته‌سالاری (meritocracy) مطرح نکرد.

با وجود اینکه بوردیو در رأس کلاسش در دانشسرای عالی (Ecole Normale Supérieure) - نهاد مرکزی خاص روشنفکران فرانسوی - قرار داشت. هرگز خود را با آنان که در ثروت، اصل و نسب فرهنگی و لحن نخبان به دنیا می‌آیند، در تعلق ناخودآگاه احساس نکرد، بلکه او توانایی تحلیل اجتماعی و تفکر شناختی را به طرز خارق‌العاده‌ای در خود پرورش داد. احساس او از قرار گرفتن بدنی (bodily insertion) در دنیای رقابتی و تنگ نظرانه آکادمیک فرانسوی مشوق او شد برای زنده کردن مفهوم ارسطویی (Aristotelian-Thomist) «ابیتوس» (habitus):^۴ هوشیاری پیر بوردیو سبب شد آنچه را که همکلاسیها و

و هدفمند در کندوکاو اجتماعی بیافرینند که در جهت آگاهی دادن سیاستهای پیشرو (progressive politics) از طریق تولید علمی باشد.

داده‌های زمینه‌ای (field data) کابیلی پایه‌ای را نیز برای نو آوریهای تئوریک بوردیو در طرح نظریه عملی (Outline of a theory of practice) (1972/1351) و منطق عمل (The logic of practice) (1980/1359) فراهم کردند. با وجود تأثیری که لوی استراوس (Levi-Strauss) بر روی او گذاشته بود. بوردیو جویای راهی بود برای دستیابی به آن سوی ویژگی ایستای ساختارگرایی و به صورت عمومی‌تر



با وجود آنکه بوردیو در رشته فلسفه تحصیل کرده بود، به جامعه‌شناسی اعتقاد آورد، دقیقاً به این دلیل که بتواند از پژوهش تجربی ابزاری بسازد برای شکستن هوشیاری معمولی و دست یافتن به دانشی درست‌تر درباره دنیای اجتماعی که معمولاً از دیدگاه فلسفی بیش از حد دنیوی به نظر می‌رسد

برای فراتر رفتن از دوگانه‌گرایی ساختار و عمل، عینیت و ذهنیت، فیزیک اجتماعی و نشانه‌شناسی اجتماعی. بدین منظور او از جنبه‌های مادی‌گرایی دورکیم و مارکس، پدیده‌شناسی و سپس روش‌شناسی قومی، تحلیل زبان‌شناسی ویتگنشتاین (Wittgenstein)، نئوکانتیسم کاسیرر (Cassirer) و همچنین کارهای اساتید خودش یعنی باشلار (Bachelard)، کانگیلم (Canguilhem)، و وویلن (Vuillemin) الهام گرفت.

بوردیو به خوبی به عمل اجتماعی انسان نظر داشت. عملی که به‌طور همزمان «ساخته شده» (structured) و «ساختی» (structuring) است و بدن اجتماعی شده که «به‌طور مشابهی عامل عمل است» (analogical operator of practice) از طریق تحلیل متفکرانه (reflexive) بر پایه تجربه. او جویای ایجاد شرایطی بود

که بتوان به هر دو جنبه ذهنی و عینی نظر داشت و نیز از مشکلاتی جلوگیری کرد که آنها را بعدها «پیشداوریهای مدرسه‌ای» (scholastic bias) - یعنی گرایش آکادمیسینها در نسبت دادن رابطه تفسیری (hermeneutic) خودشان با دنیای اجتماعی بر روی ذهن افرادی که مشاهده می‌کنند نامید. انگیزه اصلی پیر بوردیو از جامعه‌شناسی روشنفکران، به ویژه در زمینه علمی (The scientific field) (1975/1354) و در کتابهای بشر آکادمیک (Homo Academicus) و عالی مقامی دولتی (The State Nobility) جست و جوی پایه‌ای متفکرانه برای علم اجتماعی (Social Science) بود. انگیزه

دیگر بوردیو توجه شدیدش به نابرابری اجتماعی بود و راههایی که در آنها پنهان است و ادامه می‌یابد. تحلیلهای بوردیو از «قدرت نمادین» (Symbolic Power) و «سرمایه فرهنگی» (Cultural Capital) از مؤثرترین کارهای او هستند. پس از پژوهش برجسته‌اش بر روی الجزایر و هنگامی که توجهش را به فرانسه معطوف کرد، این موضوع اصلی شد - بویژه در پژوهشی که در ۱۳۴۲ (۱۹۶۳) بر روی استراتژیهای زناشویی در زادگاهش بهارن (Bearn) منتشر کرد (۲۰۰۲/۱۳۸۱) به نام جشن مجردها / Le bal des celibataires. در سال ۱۳۴۳ (۱۹۶۴) وارثان / Les heritiers (The Inheritors) و در سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) تولید مثل در آموزش و پرورش، فرهنگ و جامعه (Reproduction in Education, Culture, and Society) را منتشر کرد. هر دو کتاب به بررسی شیوه‌هایی پرداختند که به وسیله آنها نهادهای آموزشی به ظاهر شایسته سالار به تولید مثل و مشروعیت دادن نابرابریهای اجتماعی مشغول‌اند: به عنوان مثال با تغییر شکل دادن، تفاوت‌های پیش زمینه خانوادگی و یا آشنایی با زبان بورژوازی را به تفاوت‌هایی در اجرای آزمونهای آکادمیک تبدیل کردن، یا به ظاهر حقیقتی پرسش‌ناپذیر ساختن از «احتمالی فرهنگی» (the culturally arbitrary). مدتی بعد، کاوش بوردیو بر روی اشکال مختلف قدرت در نظریه‌ای از روابط میان

سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین در تولید مثل طبقات اجتماعی (بویژه در کتاب عالی مقامی دولتی) جوانه زد.

مشهورترین کتاب بوردیو، تمایز (Distinction) (1979/1358) به گونه‌ای به این موضوعها نظر داشت تا بدین وسیله بر تضاد نظریه‌های عینی‌گرایی مارکسیست و ذهنی‌گرایی وبری طبقه اجتماعی چیره شود. این کتاب همچنین پاسخی بر نقد سوم کانت بود. همان گونه که دورکیم در کتاب خودکشی جویای چالش با توضیحات فردی‌گرایانه واقعیت‌های اجتماعی بود، بوردیو نیز در کتاب تمایز ریشه‌ها و سازمان یافتگی اجتماعی سلیقه و داوری را شکافت. بدین ترتیب جامعه‌شناسی برای او ابزاری بود برای بازتفکر موضوعهای اساسی فلسفی، براساس مشاهده تجربی و تحلیلهای ریشه‌دار در «معنی عملی چیزهای تئوریک»

در کتاب باردنیا (The weight of the world/ La misere du monde) که نوعی قومنگاری عمومی از رنج اجتماعی در فرانسه است، ۲۲ نفر از همکارانش مشارکت داشتند (به دلیل تعداد زیاد اسامی مؤلفین مشترک بورديو، متأسفانه از نام بردن همه در اینجا صرف نظر شد). آفرینش و انتشار چنین کاری از طریق تشریح قومنگارانه رنج اجتماعی در فرانسه معاصر توسط مرکز جامعه‌شناسی اروپایی، مجله اسناد پژوهش در علوم اجتماعی و مجله اروپایی کتابها: لیبر (Liber) سازمان یافت. بورديو به طور همزمان در مدرسه عالی مطالعات اجتماعی (از ۱۹۶۴/۱۳۴۳) و در کلتژ دوفرانس

بیش از آنکه انشایی (disquisition) تئوریک باشد. مهم‌ترین استثنا این دیدگاه خود را در تأملات پاسکالی (Pascalian Meditations) مطرح کرد. کتابی که جایگاه معرفت‌شناسی اثرش را در «خردگرایی تاریخی» نشان داد. و مردم‌شناسی فلسفی‌اش را که به وسیله تئوری اختیاری عمل (dispositional theory of action) و به وسیله مفهومی که انسانها را همواره تشنه قدرانی (recognition) می‌داند تحکیم یافته بود، شرح داد.

رویکرد بورديو به فرهنگ و قدرت الهام دهنده مجموعه‌ای از پژوهشهای مهم تجربی بر روی هنر و نهادهای هنری شد که در اواسط سالهای ۱۳۴۰ با کتاب عکاسی: هنری متوسط - (Photography: a middle browart; 1343/1964) شروع شد؛ (سالهای بعد عکسهای با ابهت بورديو از الجزایر در نمایشگاه مروری موزه مطرح شدند). پژوهش کمی او بر روی موزه‌ها و مراجعین‌شان که در کتاب عشق به هنر (The love of art) (۱۹۶۶/۱۳۴۵) منتشر شد و همچنین پژوهشهای گسترده‌اش بر روی زمینه‌های (fields) دینی، روشنفکری، فلسفی، آکادمیک و قانونی، تحقیقی‌هایی بودند بر پایه نظریه عمومی «زمینه‌ها» (general theory of fields): به عنوان دنیاهای خرد اجتماعی (osms-social microc) متفاوت که از طریق فضاهایی از نیروهای عینی و عرصه‌هایی از مبارزه بر روی ارزشها عمل می‌کنند و باعث شکستن و تغییر جهت دادن عوامل مؤثر بیرونی و منافع می‌شوند. عمیق‌ترین و پیگیرترین اثر بورديو در مورد «زمینه‌ها» تاریخی‌ترین پژوهش او نیز هست که بر روی ادبیات متمرکز شده است و دربرگیرنده شاهکارش «قواعد هنر» (The rules of art) (۱۹۹۲/۱۳۷۱) است. تحقیقی بر روی انقلاب نمادین که در ادبیات از سوی فلوبر (Flaubert)، بودلر (Baudelaire) و دیگران به اتمام رسیده بود. مهم‌ترین کار ناتمام بورديو بی‌تردید پژوهش او در تشریح

در اواسط سالهای ۱۳۷۰، بورديو گروهی از دانشمندان اجتماعی پیشرو را در گروه رزون دژیر سازمان داد و انتشاراتی را با همان نام ایجاد کرد تا تحلیلهای جامعه‌شناسانه بر روی مقوله‌های مدنی معاصر را به خوانندگان وسیع‌تری برساند

بورديو به ویژه در طول دوازده سال گذشته به حمایت از یافته‌های مبارزات اجتماعی قرن بیستم - حقوق و مستمری، امنیت شغلی، دسترسی آزاد به تحصیلات عالی و دیگر تأمینهای موقعیت اجتماعی - مشغول بود

همان گونه که دورکیم در کتاب خودکشی جویای چالش با توضیحاتی فردی گرایانه واقعیت‌های اجتماعی بود، بورديو نیز در کتاب تمایز ریشه‌ها و سازمان یافتگی اجتماعی سلیقه و داوری را شکافت

با وجود تأثیری که لوی استراوس بر روی او گذاشته بود، بورديو جویای راهی بود برای دستیابی به آن سوی ویژگی ایستای ساختارگرایی و به صورت عمومی‌تر برای فراتر رفتن از دوگانه گرایی ساختار و عمل، عینیت و ذهنیت، فیزیک اجتماعی و نشانه‌شناسی اجتماعی

همگام پیدایش اجتماعی (sociogenetic) مانه (Manet) و تحولات زمینه‌ای در نقاشی است. که در آن نقشی محوری ایفا کرد.

نگرش بورديو به جامعه‌شناسی به عنوان یک فعالیت عملی بر روی پژوهش، و نه فقط به صورت «مجموعه‌ای از اصول مدرسه‌ای» متمرکز بود - جنبه‌ای که او دیگران را از طریق تدریس و در کتاب حرفه جامعه‌شناس (The craft of sociology / Le metier du sociologue) (1968/1347) سهیم کرد. بورديو عقیده استعدادهای فردی را خفیف کرد و بر روی کار جمعی و نوآوری سازماندهی اجتماعی پافشاری داشت. با شروع نخستین پژوهشهایش در الجزایر، او غالباً با دیگر دانش پژوهان از جمله عبدالملک صیاد (Abdelmalek Sayad)، آلن داربل (Alain Darbel)، ژان - کلود پاسرون (Jean-Claude Passeron)، و بسیاری دیگر همکاری کرد.

با انتخابش برای کرسی جامعه‌شناسی (از سال ۱۹۸۱/۱۳۶۰)، که پیش از وی مارسل ماوس (Marcel Mauss) و ریمون آرون (Raymond Aron) برعهده داشتند، استادی خستگی‌ناپذیر باقی ماند.

بورديو، با وجود شهرت بی‌نظیرش در فرانسه، در مقابل نقش پیامبرانه (prophetic) «روشنفکر کل» (total intellectual) از نوع سارتر مقاومت می‌کرد. در مقابل، او جویای تأثیرگذاری بر روی بحث عمومی عمدتاً از طریق پژوهش دقیق علمی بود. در عین حال، در مدت درگیریهایی خرداد ۱۳۴۷ (ماه مه ۱۹۶۸) تعدادی از دانشجویان به راستی وارثان (The Inheritors/Les heritiers) را به سنگرها رسانده بودند. به عنوان برجسته‌ترین روشنفکر عمومی فرانسه، پس از درگذشت

رویکرد بوردیو به فرهنگ و قدرت الهام دهنده مجموعه ای از پژوهشهای مهم تجربی بر روی هنر و نهادهای هنری شد

بوردیو به طرز شگفت آوری شخصی خجالتی و بسیار درونگرا بود. او از تکبر آکادمیک و مراسم رسمی بیزار بود

فوکو، بوردیو از بی خانمانها، پناهندگان غیرقانونی، فعالیتهای ضد نژادپرستی، و کارگران در وضعیت بی ثبات دفاع می کرد. در سالهای ۱۳۶۰، او دو نوع گزارش هشدار دهنده در مورد آینده آموزش و پرورش، به درخواست دولت سوسیالیست، تهیه کرد. بوردیو همیشه در رابطه با سیاستهای رسمی محتاط بود. و در عین حال جویای همراه کردن دانش پژوهان، اتحادیه های اصناف و فعالین اجتماعی، به صورت تشکلهای غیرحزبی بود که در آن برای مداخله اجتماعی علم و ارتباطات مرکزیت داشته باشند. در اواسط سالهای ۱۳۷۰، بوردیو گروهی از دانشمندان اجتماعی پیشرو را در گروه رزون دژیر (Raisons d'agir) (دلایل عمل کردن) سازمان داد و انتشاراتی را با همان نام ایجاد کرد تا تحلیلهای جامعه شناسانه بر روی مقوله های مدنی معاصر را به خوانندگان وسیع تری برساند. بوردیو در نخستین کتاب این مجموعه، بر روی تلویزیون (On television) (۱۹۹۶/۱۳۷۵)، به اینکه چگونه وسایل ارتباطات با تخفیف دادن بحث عمومی به نازل کردن آن در حد «تندخوری فرهنگی» (cultural fast - food) مشغول اند، پرداخت. کتاب تسلط مردانه (Masculine domination) (۱۹۹۸/۱۳۷۷) به کنش متقابل شکلهای مادی و نمادین نابرابریهایی متمرکز است که در نگه داشتن «نرم مرکزی» (androcentrism) دخیل اند. بوردیو به ویژه در طول دوازده سال گذشته به حمایت از یافته های مبارزات اجتماعی قرن بیستم - حقوق و مستمری، امنیت شغلی، دسترسی آزاد به تحصیلات عالی و دیگر تأمینهای موقعیت اجتماعی - مشغول بود (مخالف با کاهش بودجه ها و دیگر حمله هایی که با نام بازارهای آزاد و رقابتهای بین المللی انجام می گیرد). در این جریان، بوردیو یکی از سرشناس ترین منتقدین جهانی کردن نئولیبرال در دنیا شد؛ موضوع اساسی دو جلد کوچک با عنوانهای اعمال مقاومت (Acts of resistance/contre-feux 1) (۱۹۹۸/۱۳۷۷) و برگشت آتش (Firing back/ Contre-feux 2) و همچنین مجموعه ای از موضوعهای سیاسی در کتابی با عنوان دخالتها (۱۳۴۰-۱۳۸۰) (Interventions 1961-1999). بوردیو با همراهی باگونتر گراس (Gunther Grass)، هانس هاگ (Hans Haacke) و دیگران به جست و جوی پیوند دادن روشنفکران پیشرو در جهانی گرای نئونی (new internationalism) بود. با وجود شهرت چشمگیرش که

به ویژه پس از فیلم مستند تحسین شده ای که از فعالیتهای وی با عنوان «جامعه شناسی یک هنر رزمی است.» (۲۰۰۰/۱۳۷۹) به نمایش درآمد - او را در خیابانها و قهوه خانه ها قابل شناسایی کرد - بوردیو به طرز شگفت آوری شخصی خجالتی و بسیار درونگرا بود. او از تکبر آکادمیک و مراسم رسمی بیزار بود. بوردیو پایدارانه ظاهر شدن در تلویزیون را رد می کرد، و حتی یکبار تعجب شدید خود را در مورد رغبت آمریکاییها برای صحبت کردن عمومی در مورد ازدواجها، اخلاق جنسی و عادات شخصی خودشان، در حالی که از بیان آزاد مباحث سیاسی خودداری می کنند ابراز کرد. از نظر او فرانسویها، یا در واقع شخصاً خود او در نقطه مقابل قرار داشت. او از زندگی خانوادگی اش محافظت می کرد و به از خودگذشتگی ای که زندگی عمومی از زمان همراهی همسر و سه پسرش می طلبید، به شدت واقف بود. دانشجویانی را که از کابیلی داشت در جهت ادامه تحصیلاتشان دهها سال حمایت کرد. حقیقتی که نه تنها بیانگر بخشندگی شخصی و حس مسئولیت بوردیو بود، بلکه همچنین نشانگر ایمانی بود که به آموزش و پرورش و علم داشت. و به اینکه علیرغم مشارکتشان در «تولید مثل اجتماعی»، می توانند بهترین امید ما را در کم کردن سلطه جویی باقی بمانند.

از درگذشت بوردیو هم آنان که او را می شناختند و هم آنان که در درون و در بیرون از علوم اجتماعی دانش و جهان بینی شان برای همیشه با آثار او تحول یافته است، عمیقاً دلتنگ خواهند ماند.

* اصل این مقاله در شماره فوریه مجله پاورقیها (Footnotes) توسط انجمن آمریکایی جامعه شناسی (ASA) نیز منتشر شده است.

پی نوشت:

1- Craig Calhoun & Loic Wacquant

۲- از لوئیک وکان متشکریم که با لطف همیشگی مقاله را برای ترجمه فارسی در اختیارم گذاشت.

۳- متفاوت از مفهوم «عادت» و به معنی «ذهنیت اجتماعی شده» و «درونی شده اجتماعی» می باشد.

۴- تاریخ انتشار کتابها مربوط به انتشار اصلی فرانسوی است: عنوانهای انگلیسی مربوط به انتشار ترجمه آنهاست.